



معامله و دیپلماسی غرب و رقص مستانه حکومت اشرف غنی

آسو فتوی

۱۰ اکتبر ۲۰۱۶ - ۲۰ مهر ۱۳۹۵
دوشنبه ها منتشر میشود

هویت بر باد رفته!

فواز عبداللہی

روحانی در جمع مشتکی از خودی های نظام در مالزی گفت: "ما نمی خواهیم انقلاب خود را تحمیل کنیم. اگر کسی دوست داشت می پذیرد و اگر نداشت نمی پذیرد..." اینها با قمه و اسید و پیا کردن میدان های تیرباران انقلابیون ۵۷ سرکار آمدند و یک نسل کامل از عزیزترین آزادیخواهان را با ساریانی خمینی سلاخی و درو کردند تا آزادی و رفاه میلیونها انسان را گرو بگیرند. واقعا هم نشان دادند که در نسلکشی استاند؛ آنچه امروز جناب ریس جمهور را به عقب نشینی از کارنامه نظام و اهداف ضد انقلاب اسلامی خمینی وادار کرده است، به ته رسیدن سوخت ایدئولوژیک نظام است در مقابل شمشیر داموکلس نسلی که در جمهوری اسلامی چشم باز کرد و هیچ گاه زیر بار حاکمیت مذهب و تحمیل ترهات اسلامی در زندگی خصوصی و اجتماعی اش نرفت. رئیس جمهوری و مجلس و رهبری و شورای نگهبان و همه شان امروز در مقابل این "خطر" مجبور به پوست انداختن شده اند؛ خودشان هم میدانند که ضدیت با خرافات، اخلاقیات، تقدسات و قوانین کور مذهبی از سر و کول جامعه می بارد. کمیدی ماجرا اینجاست که امروز این سران رژیم اند که ناچارند در مقابل این موج برگشت ضد مذهبی یز معتدل بسخود بگیرند. "وا اسلاما" بیش از این جواب نمیدهد، باید به "وا ایرانا" تغییر مسیر داد. "گشایش سیاسی و اقتصادی" آقای ریس جمهور و دولت اش نیز اسم رمز گشایش استبداد عربان نه در اشکال پان اسلامیسیم سابق که در اشکال پان ایرانیسیم است. خفقان مذهبی جایش را به خفقان ملی می دهد. دیروز "نه شرقی نه غربی" اصالت شان بود، امروز "اهداف ایرانی". در چنین شرایطی دیگر مهم نیست که روحانی ریشش را از ته بزند و بجای عبا و عمامه کت شلوار بپوشد. مهم موج برگشت محرومیستی است که اساس اشکال متنوع استبداد را به آتش می کشد.

بدهند. قرار است زنان افغانستانی "آزاد" و زندگی در شان و حرمت انسان را بدون تهدید جانی و جنسی داشته باشند. قرار است پناهندگان و پناهجویان افغان را تحویل بگیرند و امنیت جانی آنها را تضمین کنند. قرار است منطقه امن تجاری و سرمایه گذاری درست کنند. رابطه با ناتو تحکیم گردد و صدها لیست قرار دیگر... صفحه ۲

رفاه و آزادی" به حکومت افغانستان بپردازد. مدعی شده اند که به اصطلاح در راستای ایجاد اشتغال و علییه بیکاری عمل خواهند کرد، امکانات و شرایط رفاهی "افغان ها" را بهتر می کنند. قرار است "صلح پایدار و امنیت" را برای مردم افغانستان تضمین کنند. برای جوانان افغان امکان "کار و تحصیل و شغل مناسب" را

چند روز پیش اجلاس ۸۷ کشور و نهادهای "حقوق بشری" وابسته به آنها در شهر بروکسل بلژیک برگزار شد. که این گردهمایی تحت پوشش وسیع تبلیغی رسانه ای قرار گرفت. در این اجلاس حکومت افغانستان و اروپا به توافقاتی رسیدند که قرار است اروپا ظرف چهار سال مبلغ بیش از ۱۵ میلیارد دلار را به عنوان کمک به منظور "ایجاد امنیت و

بار دیگر صدای اعتراض مردم مریوان!

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست - خط رسمی صفحه ۴

خصوصیات فیزیکی و

گزینش شرم آور آموزش و پرورش!

مونا شار

دیگری کاملاً متضاد با این خبر شرم آور، در میدیای غرب منعکس شد. در شهرهای میلان، رم و نیویورک، شوی لباسی به نمایش گذاشته شده است که افراد فلج بر روی صندلی چرخدار، بر روی سن می آیند و لباس ها را به نمایش می گذارند. گفته شده پیام این شوی لباس، نمایش زیبایی با به چالش کشیدن نقص جسمانی است. دو خبر متناقض که دو دنیای متفاوت را نشان میدهد. دنیای سیاه تحت حاکمیت جمهوری

خبر باورنکردنی و تکان دهنده "ورود قد کوتاها و چاق ها به آموزش و پرورش ممنوع" از سوی عباس قنبری، معاون دانشجویی دانشگاه فرهنگیان بیان شده است. او می گوید: معلمان برای جذب در آموزش و پرورش از فهرست ۳۰ بیماری ممنوعه ارزیابی و معاینه می شوند که دوتا از این بیماری های ممنوعه "کوتاهی قد و چاقی و وزن نامتعارف" است که معلمان از پذیرش در آموزش و پرورش باز می مانند. همزمان خبر

اسلامی و ارزشها و قوانین قرون وسطایی آن و دنیایی که بشریت متمدن ارزشهای انسانی خود را حتی به سالنهای مد بورژوازی با همه تشریفات و تجمل آن تحمیل کرده است. چنین تحقیر آشکار و تبعیض علنی و رسمی بر مبنای خصوصیات فیزیکی در قرن بیست و یک، زمانیکه جامعه بشری هر نوع تحقیر انسانها بر مبنای خصوصیت فیزیکی را ممنوع اعلام کرده است، فقط میتواند حاکی از عهد عتیق بودن، ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

معامله و ...

مستقل از داد و ستد هر روز و معامله دولتهای مرتجع در سطح دنیا و از جمله معاملات دیپلماسی اجلاس بروکسل بیشرمی و زشتی این ماجرا تحویل هزاران انسان فراری از جهنم افغانستان بدست قاتلین و حاکمین این جامعه است. بازگرداندن هزاران انسانی که از دست جهنم افغانستان به کوه و بیابان و دریا زده اند و بخشی از آنها سالم به کشورهای غربی رسیده اند. قرار است اینها به نام دفاع از زندگی شان به جهنم برگردند و بدست زندانبانان و عاملین تباهی و فقر و محرومیت شان سپرده شوند.

مستقل از مفادی که پیش خواهند برد و آن هم روابط دیپلماتیک و روابط سیاسی و تجاری بین خودشان و تحکیم تعهد ها و روابط نظامی و تضمین حضور ناتو، مابقی ادعاها از بنیان پوچ و بی اساس هستند.

چگونه می شود باور کرد حکومت مذهبی و مرتجع اشرف غنی با تاریخی که پشت سرش دارد امکانات و رفاه را برای همه مردم افغانستان بخواهد؟ هنوز صدای اعتراض مردم برای خواست برق و امکانات ساده و اولیه زندگیشان شنیده می شود و هنوز همین امروز این اعتراضات رفاهی در خیابانهای افغانستان در جریان است. خون معترضین چند هفته پیش در خیابان به خاک افتاده را چگونه زیر فرش قرمز بروکسل می خواهند مخفی کنند؟

تلاش این ۷۰ کشور برای "صلح پایدار" در افغانستان چگونه است؟ نکند منظور آنها صلح، و آشتی دادن قاتلین دیروز و امروز مردم افغانستان است. این "صلح" را می خواهند با قرار دادن سر هر مرتجع و جنایتکاری در یک آخور از قبیل احزاب تندرو اسلامی و گلبدین

حکمتیار و امثالهم که چند روز پیش امضا شد تضمین کنند. امکان تحصیل برای همه را چگونه تامین می کنند وقتی هنوز دود آتش اتوبوس حامل دانشجویان قتل عام شده و سوخته روی جاده ها در هوا می پیچد. هنوز خون حملات مرگبار ۲۵ اوت ۲۰۱۶ به دانشگاه کابل بر دیوار دانشگاه شره میکند و میچکد. محرومیت تحصیلی از سر تقسیمات قومی و قبیله ای هنوز به قوت خود باقی است.

شعار "جنسیت- زنان توانمند، افغانستان مرفه" به منظور آزادی و امنیت و توانندی کردن زنان، برای چاک دریده دهان اشرف غنی و حکمتیار و احزاب شان زیادی بزرگ است. این ۷۸ کشور و به اصطلاح سازمان حقوق بشری نمی توانند با توسل به هیچ حربه ای باطلاق و جغرافیای جهنمی برای زنان افغان را که روزگاری خودشان از روی نقشه و آگاهانه ساختند بهشت جلوه دهند. هنوز ویدئوهای تعرض به حرمت و کرامت زنان و کشته شدنشان به دست ارتجاع حاکم در صدر شبکه های اجتماعی قرار دارد. هنوز زنان افغان سوگوار و داغدار مرگ دردناک فرخنده هستند که از جانب حیوانات اسلامی تندرو در خیابان زنده زنده سلاخی و به آتش کشیده شد. هنوز میلیونها انسان زحمتکش آن جامعه از دست جنگ و جنایات از دست فقر و محرومیت در آرزوی فرار از آن مملکت امروز و فردا میکنند.

حال نقطه سر خط معامله شرمگین اروپا با هیئت حاکمه افغانستان و درخواست اشرف غنی برای کمی بیشتر سر کیسه را باز کردن بر سر جان و آینده و زندگی پناهجویان شاهکار و قوز بالا قوز است. دستاورد سالها کمک های غرب به حکام و دسته جات کثیف که با امکانات و پول

و اسلحه دولتهای غربی و در راس آنها دولت آمریکا سازمان یافتند و مشعل بختک بر زندگی مردم افغانستان نازل شده اند. پروندهای قطور و سنگین از بمباران و حملات و قتل و عام و به خاک و خون کشیدن زن و مرد و کودک و جوان و پیشبرد اهداف گروه های اسلامی و تروریستی و نیروهای ناتو و هم پیمانانش بر هیچ کسی پوشیده نیست. این معامله ها تنها می تواند هنر هرزه های سیاسی در روابط دیپلماتیک باشد.

در حال اجلاس و توافقات بروکسل بلژیک یکی دیگر از هزاران توافقات کثیف دنیای بورژوازی است که در کمال وقاحت به نام دفاع از مردم افغانستان و قربانیان و فراریان از دست سیاستهای آنها، رقم خورد. به سختی می توان کلماتی درخور شهنشان و توصیف شان پیدا کرد، در ادامه سناریوی کثیف معامله با جان انسانها نیز دلقک های

خیمه شب باز به اصطلاح حقوق بشری پا به عرصه خواهند گذاشت و نمایش شنیع و متعفن معرفی افغانستان به عنوان سرزمین بکر آزادی و رفاه و امنیت و آسایش را به عهده خواهند گرفت و البته که ارمغان توافقات بورژوازی و حقوق بشر اش چیزی بیشتر از این نیست و نمی تواند باشد. این یک بیشرمی و گستاخی در روز روشن و دهن کجی به تعقل و درک مردم دنیا است و به سخره گرفتن تمام موازین و قوانین حقوق بشری است. ننگ بر شماست، شرمتان باد. تنها پیام ما و مردم افغانستان به شما کشورها و به اصطلاح نهادهای حقوق بشری "گستاخی تان را نخواهیم پذیرفت" است و در برابر هر قطره خون و جان و مال و حرمت و کرامت پایمال شده در افغانستان یا هر جای دیگر دنیا در دادگاههای عادلانه به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه خواهید شد.

**بدون احساس امنیت و برخورداری از
امنیتی سالم و انقلابی. که در دل آن
شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه
کنند. تحقق مطالبات برحق مردم ممکن
نیست. این حکم امروز بخصوص. در
شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض
تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده
است. بیش از پیش صدق میکند. حزب
کمونیست کارگری = حکمتیست مدافع
برچیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای.
انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه
سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و
اطلاعاتی مخفی است. ...**

مرک بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

خصوصیات فیزیکی و ...

و ضد انسانی بودن حکومتی باشد که کوتاهی قد و "وزن نامتعرف" را بعنوان بیماری و مانع استخدام شهروندان جامعه اعلام میکند. تبعیض رسمی و قانونی بر مبنای خصوصیت فیزیکی را باید به کارنامه سیاه حکومتی که در آن تبعیض بر مبنای مذهب و جنسیت و آپارتاید جنسی قانونی و رسمی است، اضافه کرد. در شرایطی که بشریت متمسکین امروز علیه ارزش های دنیای مسخ شده بورژوازی، علیه تصویر باری و استفاده جنسی کردن از زنان، علیه تبعیض، تحقیر علیه انسانها بر مبنای خصوصیت فیزیکی شان مبارزه کرده و دستاوردهایی در تثبیت قوانین مجازاتی علیه تبعیض بر این مینا، بدست آورده است، نماینده دولت اعتدال در اوج پیشروی اعلام میکند کوتاهی و "وزن نامتعرف" بیماری است و مبتلایان به این "بیماری ها" از شانس امرار معاش، از دور و چرخه زندگی و بهره وری از آن محروم خواهند شد. بدنبال آن مشتکی "کارشناسان" و "روانشناسان" مرتجع تر از قبری "تئوری های" در باب تاثیرات ظاهر "نامناسب" معلمان بر تحصیل دانش آموزان و موفقیت آنان خزعبلاتی را تحویل جامعه میدهند.

"کارشناسان" و "روانشناسان" عهد عتیقی و نان به نرخ روز خور ما اما از بیان تاثیرات تدریس قوانین اسلامی به کودکان و خزعبلات مذهبی و ترس و وحشتی که در دل و روان کودکان ایجاد می کنند، تحقیر سیستماتیک دختران در مدارس، تاثیرات منفی حجاب اجباری بر دختران خردسال در مدارس، از تاثیر حضور آموزگاران با حجاب اسلامی و ریش و پشم اسلامی و تاثیرات منفی آن بر روحیه دانش آموزان الکن و لال اند.

در جامعه وارونه ایران، کوتاهی قد و

"وزن نامتعرف" جرم است اما سوءاستفاده جنسی از کودکان در مدارس، تجاوز به کودکان تحت عنوان ازدواج شرعی و ... قانونی است. در جنگل بی قانون ایران، دزدان و اختلاس کنندگان، شاید در امان هستند. کسانی که از افکارش بوی گند و عفونت عقب ماندگی و ارتجاع بیرون می زند و کودکان را شستشوی مغزی می دهند مجرم نیستند و هیچیک از آنان تاکنون اخراج نه فقط نشده است و به راحتی از فیلتر آموزش و پرورش گذر کرده اند، بلکه بعنوان معلمان نمونه و اسلامی مورد تقدیر رژیم و سران مرتجع آن قرار گرفته اند.

در دنیای بربریت جمهوری اسلامی، فحاشی، توهین با ریکک ترین الفاظ به دانش آموزانی که "جرم" شان خنده، شادی و رقص است از طرف روسای مدارس، روسای که وظیفه خود را تحکیم ایدئولوژی و ارزشهای ضد انسانی و قرون وسطایی اسلام در اذهان کودکان و نوجوانان تعرف کرده اند، نه فقط جرم نیست که چنین روسای، که جایشان نه مدارس که حوضه های علمیه قم است، پادشاه و ترفیع هم میگیرند.

در جنگل بی قانونی بنام ایران همه چیز وارونه است. هیچ یک از سران و وزاری که، تنبیه کودکان و خزعبلات مذهبی، آپارتاید جنسی در محیطهای آموزشی، را قانونی کرده اند نه درمان و نه مجازات می شوند و نه از کار بیکار شده اند.

برخلاف "تئوری های" "کارشناسان" و روانشناسان "اسلامی، هیچ کودکی از قد کوتاه و "وزن نامتعرف" معلم خود وحشت ندارد. اما از خزعبلات قرآن و سیاهی و تاریکی و شکنجه در مدارس می ترسد و وحشت دارد. معاون آموزش و پرورش در کنار سران جمهوری اسلامی و ایدئولوگها و کارشناسانشان را باید

برابری زن و مرد؛

ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدر میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند.

یک دنیای بهتر - برنامه حزب را بخوانید!

رفتار "غیراسلامی" اما انسانی شان باید هر روز از کنترل پلیسی ناظم و مدیر عبور کنند و جواب پس بدهند و توبیخ شوند. کودکان آنچه که معلمشان می خواهند درس محبت، شادی و انسانیت است. نیاز کودکان کوتاه شدن دست مذهب و دستگاه مذهبی که تحقیر، تبعیض بر مبنای جنسیت، مذهب، خصوصیات فیزیکی را در جامعه و مدارس اعمال میکنند، از آموزش و پرورش و زندگی شان است. نیاز کودکان رفتن جمهوری اسلامی با هویت ضد انسانی اش بعنوان اولین مانع خوشبختی و شادی کودکان در ایران است.

بعنوان بیماران و به جرم اشاعه افکار پوسیده و اجبار دانش آموزان به انجام اعمال مذهبی از مدرسه، به جرم اینکه بجای ساختن محیط امن و تربیت و شادی، مدرسه تبدیل به زندان و شکنجه گاه کودکان کرده اند، به جرم شستوشی مغزی کودکان و آموزش نفرت و کینه مذهبی، به جرم دزدیدن کودکی میلیونها کودک محاکمه و مجازات کرد.

اگر کسی قرار است از کار در آموزش و پرورش باز بماند وزراء و معاونینش هستند که دختران خردسال را به اجبار جشن تکلیف می گیرند و کودکان را از دنیای شیرینی کودکی شان جدا می کند، دانش آموزان را برای کنترل و خفه کردن شادی شان، بی حجایی شان، لباس شان،

قدرت طبقه کارگر در تخریب و شکل اوست!

کارگران جهان متحد شوید! Workers of The World Unite!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

بار دیگر صدای اعتراض مردم مریوان!

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیت - خط رسمی صفحه ۴

اعلام کرده اند که دیگر خسارتهای جانی و مالی بر اثر خرابی جاده ها را تحمل نمی کنند و دولت و دستگاه های محلی اش را مسبب وضعیت نامطلوب زندگی مردم و عدم امنیت در جاده ها می دانند و خواستار زندگی امن تر و بهتر هستند.

دفتر کردستان حزب حکمتیت - خط رسمی به مردم مبارز مریوان بخاطر تجارب مبارزاتی ازادخواهانه و حق طلبانه و انساندوستانه شان درود می فرستد و گسترش اتحاد و همبستگی مبارزاتی کارگران و زحمتکشان و شهروندان زن و مرد و جوان مریوان را ضامن پیروزی و تحقق خواستههایشان می داند.

دفتر کردستان حزب حکمتیت - خط

رسمی

مهر ماه ۹۵ (اکتبر ۲۰۱۶)

حکمتیت را توزیع و پخش

کنید!

حکمتیت را به دست

کارگران برسانید!

جمله کسانی هستند که تاکنون توسط ماموران امنیتی بازداشت شده اند. بهنگام راه پیمایی مردم در خیابان ها و تجمع در میدان شهر، فرماندار مریوان در محل تجمع مردم معترض حضور پیدا کرد، ولی با شعارهای همچون "فرماندار خجالت خجالت"، "فرماندار استعفا استعفا" مجبور به ترک محل گردید. همچنین مردم با شعار "در خیابان می مانیم"، خواستار ادامه تجمع تا آزادی دستگیر شدگان شدند. تظاهر کنندگان علاوه بر خواست تعمیر اساسی جاده مریوان سنندج، خواستار اختصاص بخشی از درآمد پایانه های مرزی به عمران و آبادانی شهر شده و آن را حق خود می دانند. همچنین خواستار اختصاص بودجه ای برای جبران خسارت های جانی و مالی شده اند که تاکنون بر اثر خرابی جاده، خانواده های قربانیان متحمل شده اند.

شهر مریوان به شهر زنان سرخ پوش، شهر زنان و مردان علیه مردسالاری و قتل های ناموسی، شهر دهن کجی به مرتجعین و مخالفان دوچرخه سواری زنان، شهر تئاترهای انساندوستانه خیابانی، شهر اتحادهای کارگری در میان بخش وسیع کارگران فصلی و ساختمان و ناتوایی ها ... معروف است. و امروز مردم این شهر بپا خواسته اند و

سوی نیروهای امنیتی ملیتاریزه شده بود. شهروندان مریوانی در اعتراض به هر آنچه "سهل انگاری و بی کفایتی مسئولان حکومتی نسبت به خطرات ناشی از تانکرهای حمل سوخت که جان ساکنان این شهر را تهدید می کنند و پایین بودن کیفیت جاده ها و عدم رسیدگی و بی توجهی به تکمیل کردن و به اتمام رساندن جاده های در دست تعمیر با استانداردها ی روز، بعد از حدود ۱۵ سال از به اجرا در آمدن و شروع به نوسازی این جاده ها" عنوان شده است"، به خیابان ها آمدند.

اعتراضات مردم با پلاکاردهایی در محکومیت عدم رسیدگی مسئولان دولتی به وضعیت جاده های مابین سنندج و مریوان و مضامینی همچون اعتراض به مرگ و میر صدها تن از جوانان در این جاده ها و سهم کردستان از توسعه مساوی است با کولبری و جاده های مرگ، بود.

در جریان تجمع و اعتراضات مکرر مردم، ۵ تن از سازماندهندگان و مسئولین هماهنگی کمپین اعتراض به وضع جاده های مریوان و تجمع اعتراضی آن، صبح روز پنجشنبه از سوی نیروهای امنیتی دستگیر شدند.

سیران خورنکا، آرتین حسن زاده، بهاره عارفی، روژین رضایی و عادل رشیدی از

به دنبال اعلام یک کمپین اعتراضی در شهر مریوان که گفته می شود تا کنون حدود ۱۵ هزار نفر امضا کرده اند، بخشی از مردم شهر راه پیمایی و تظاهرات اعتراضی گسترده ای را در این شهر سازمان دادند. اعتراض مردم مریوان به وضعیت نامناسب جاده ی مریوان - سنندج است. بنا بر سخنان معترضین و بیانیه ای که صادر کرده اند گفته شده است:

"سالانه صدها نفر در این جاده جان خود را از دست می دهند و باعث معلولیت صدها نفر نیز می شود که بایستی تا هنگام مرگ درد را به جان بخرند. همچنین زیان های جانی که در نتیجه ی نبود امکانات پزشکی مناسب در هنگام انتقال زخمی شدگان به بیمارستان به وجود می آید هم بخشی از همین عوارض جاده های نامناسب است. از سوی دیگر می دانیم زیان اقتصادی که متوجه وسائل حمل و نقل مردم می شود، و خطراتی که این جاده متوجه توریست ها می کند کم نیست. علاوه بر این موارد، درد و رنجی که خانوادگی قربانیان و خسارت دیدگان از این مسئله تحمل می کنند را باید به عوارض نامساعد بودن این جاده ها اضافه کرد..."

این تظاهرات در شرایطی برگزار گردید که سطح شهر مریوان به صورت وسیع از

شماره ۱۳۲ حزب حکمتیت

خط رسمی

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد همبستگی انسانی!